

مجموعه لطائف و سفینه ظرائف تصحیح استاد نذیر احمد

فوزیه وحید*

پروفسور نذیر احمد از استادان و محققان سرشناس شبه قاره و از افتخارات دانشگاه اسلامی علیگره به شمار می‌رود. وی فردی کنجکاو بود و برای کسب علم و ادب شوق فراوانی داشت و به تحقیق، مطالعه و کشف مسائل ناشناخته عشق می‌ورزید. استاد درباره نسخه‌های خطی به شیوه‌های گوناگون تحقیق می‌کرد و اطلاعاتی را که به دست می‌آورد، در قالب کتاب و مقاله منتشر می‌کرد تا جویندگان علم به راحتی به آنها دسترسی پیدا کنند. شخصیت آن بزرگوار شمع فروزان انجمن‌ها و گرمی بخش محافل علمی و ادبی و فرهنگی بود و مبالغه نیست اگر شخصیت او را دانشگاهی و نیز فرهنگی بدانیم.

استاد تلاش می‌کرد متنی را به خوانندگان و دوستداران علم و ادب عرضه کند که از هر نظر به متن خود مؤلف نزدیک‌تر باشد. وی درباره اختلاف نسخ خطی و چاپی یک اثر در نگاشته‌های خود به تفصیل و صراحت بحث می‌کرد و به همین سبب آثار وی از مستندترین آثار به شمار می‌رود.

او در زمینه تدوین لغت و فرهنگ نیز فعالیت‌های مهمی انجام داده است. تدوین فرهنگ لسان‌الشعرا، فرهنگ قواس و فرهنگ زفان‌گویا از پرافتخارترین کارهای وی به شمار می‌روند. استاد تقریباً پنجاه جلد کتاب و بیش از پانصد مقاله در زمینه‌های مختلف زبان و ادبیات از خود به یادگار گذاشته است.

بنده درباره نسخه خطی مجموعه لطائف و سفینه ظرائف مطالبی را بیان می‌کنم. این نسخه به کوشش استاد نذیر احمد کشف شد و به شکل عکس اصل نسخه از کتابخانه

* دکترای فارسی دانشگاه اسلامی علیگره، علیگره.

موزه بریتانیا به هند آمد و هم‌اکنون در کتابخانه گروه ادبیات فارسی دانشگاه اسلامی علیگره موجود است. استاد نذیر احمد دو نسخه این بیاض را معرفی کرده است:

۱. نسخه مشتمل بر ۴۸۵ صفحه است که در کتابخانه موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. این بیاض ناقص‌الطرفین است و بنابراین عنوان بیاض و اسم مرتب معلوم نیست و چارلس ریو مؤلف کاتالوگ موزه بریتانیا این نسخه را به‌عنوان *دستورالشعرا ضبط نموده است*. او درباره این نسخه چنین نوشته است:

A copy of Persian anthology without title or author's name.

The author lived in India and wrote this work during the short reign of Sultan Mubarak Shah Sharqi, who succeeded to the throne of Jaunpur A.H. 803 and died in the subsequent year...

The author speaks of Sultan as reigning sovereign adding to his name *خلد ملکه*.

The work is divided into sections termed *Kism* in which the poems are arranged according to their subjects to various kinds of poetical compositions or to the poetical figures...

The poet quoted range from the time of Firdosi to that of Hafiz and included a number of Indian poets unknown to Persia.

The section must have originally amounted atleast to one hundred and one but the Ms is defected at the beginning and at the end and besides some internal Lacuna so that many of *Kism* are lost while some instances the headings are wanting or illegible.

In a passage occuring fol. 222b, the author called his book *Dastur-Ush-Shu'ara*^۱ *دستورالشعرا*. This may be either a mere description of its scope or its specify title.

An adding by later hand on the margin off fol. 186 dated Delhi, 15 Zalka'da A. H. 935 (A. D. 1529)^۲.

۱. اینجانب در برگ ۲۲۲ ب این جمله را دیده‌ام که به‌همین صورت نقل شده است. (نگارنده)

۲. *Supplement Catalogue of Persian Manuscripts in the British Museum*, Charles Rieu, 1859, p. 232B, 233A-B.

۲. نسخه دوم نسخه کابل است که در بخش ادبیات دانشگاه کابل محفوظ است. اگرچه در این نسخه نیز چند ورق از بین رفته است اما اوّل و آخر آن کامل است و مقدمه‌ای هم دارد. استاد نذیر احمد این دو نسخه را مورد مطالعه قرار داد و نتیجه گرفت که اسم دستورالشعرا، مجموعه لطائف و سفینه ظرائف است و مرتّب آن سیف جام هروی می‌باشد. هم‌اکنون این نسخه در پاکستان زیر نظر دکتر عارف نوشاهی است.^۱

نخستین بار این بیاض را پروفیسور سعید نفیسی در مقاله خود «قدیمی‌ترین مجموعه‌های شعر فارسی» (مجله ارمنان علمی، لاهور، ۱۹۵۵ م) معرفی کرد. وی در مقاله خود پنج مجموعه قدیمی هند را بررسی می‌کند که قبل از تذکره دولت‌شاه سمرقندی مرتّب شده‌اند:

(۱) مجموعه کلامی اصفهانی؛

(۲) زیده‌المجالس؛

(۳) مونس‌الاحرار محمّد بن بدر جاجرمی؛

(۴) مجموعه محمّد بن یغمور (اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم)؛

(۵) مجموعه لطائف و سفینه ظرائف از حسام هروی قرن هشتم هندوستان.

مقاله‌نویس درباره عنوان مجموعه‌ها و نام مرتبین آنها چنین می‌نویسد:

«او عنوان مجموعه اوّل را ننوشته، بلکه نام آن را مجموعه کلامی اصفهانی و نام مرتّب را کلامی اصفهانی نوشته است که هرگز صحیح نمی‌باشد؛ چرا که عنوان مجموعه مونس‌الاحرار و نام مرتّب احمد بن محمّد بن کلاتی اصفهانی می‌باشد و همین نام در نسخه خطّی حبیب گنج کلکشن در کتابخانه مولانا آزاد دانشگاه اسلامی علیگره نیز محفوظ است و نگارنده هم این نسخه را دیده است».

اسم دوّمین نسخه، زیده‌المجالس نوشته شده است؛ ولی عنوان اصلی آن نزهة‌المجالس است. استاد مجموعه لطائف و سفینه ظرائف را این‌طور معرفی کرده است:

۱. دکتر عارف نوشاهی، شعبه فارسی دانشگاه پنجاب، لاهور، پاکستان.

«کتاب پنجمی که در این زمینه دیده‌ام، کتابی است به نام مجموعه لطائف و سفینه ظرائف تألیف سیف جامی هروی چنانکه کاتب نسخه نوشته است؛ اما پندارم کاتب نام مؤلف را درست ننوخته است و نام وی سیف بن حسام هروی یعنی سیف‌الدین بن حسام‌الدین هروی بوده است. تنها نسخه‌ای که از این کتاب دیده‌ام در کتابخانه فاکولته ادبیات دانشگاه پوهنتون کابل است، کاغذ و خط نسخه گواهی می‌دهد که در قرن هشتم هجری در هندوستان نوشته شده و هر چند که مؤلف تاریخ تدوین کتاب را نیاورده، اما پیداست که در اواخر قرن هشتم تدوین شده است؛ زیرا آخرین شاعری که اشعار وی در این کتاب هست، امیر نورالدین نعمت‌الله بن میر عبدالله معروف به نعمت‌الله ولی یا شاه ولی عارف مشهور متولد در ۷۳۰ هجری و متوفی در ۲۲ رجب ۸۳۸ هجری است. چون در این کتاب آثار برخی از شاعران قرن هفتم ساکن هندوستان ثبت شده، پیداست که مؤلف در هندوستان می‌زیسته و این کتاب را در همانجا تدوین کرده است؛ چنان می‌نماید که این نسخه فاکولته ادبیات کابل هم نسخه منحصر به فرد است که در جای دیگر موجود نیست».

از گفتار بالا به این نتیجه می‌رسیم که سعید نفیسی با اینکه درباره مجموعه لطائف و سفینه ظرائف اطلاع زیادی به دست آورده، اشتباه بزرگی نیز مرتکب شده است. او اسم مرتب را سیف بن حسام هروی یا سیف‌الدین بن حسام هروی نوشته است؛ در حالی که نام اصلی وی سیف جام هروی است و در نسخه کابل موجود است. وی از کتابت نسخه بدون دلیل انحراف کرده است. به نظر بنده اسم مرتب سیف جام هروی درست است؛ زیرا که او از جام به هرات و از هرات به هند آمد و در قریه‌ای از هند سکونت اختیار کرد. بدین ترتیب نام وی سیف جام هروی است.

پروفسور سعید نفیسی از وجود نسخه بریتانیا آگاه نبود؛ زیرا او فقط نسخه کابل را معرفی و از همان نسخه استفاده کرده است.

پس از آقای سعید نفیسی، استاد و محقق مشهور زبان و ادبیات فارسی، پروفسور نذیر احمد به معرفی این بیاض پرداخته و با مقالات ارزشمند خود اهمیت این بیاض را توضیح داده و نیز درباره شعرای غیرمعروف دوره سلاطین مملوک هندی هم مطالبی

نوشته است. پروفیسور نذیر احمد مقالات زیر را با استفادہ از مجموعہ لطائف و سفینہ ظرائف نوشتہ است:

۱. فیروزا: یہ ماہ تغلق کے عہد کے چند فارسی شعرا (چند شاعر فارسی زبان عہد فیروزشاہ تغلق):
در این مقاله استاد شعرای غیر معروف آن زمان مانند جمال الدین استاجی، الیاس ہروی، سیدالسادات اجل و مولانا حمید قلندر را معرفی کرده و سال ترتیب بیاض را توضیح داده است.

۲. مولانا حمید قلندر اوراں: کے ہمعصر شعرا (مولانا حمید قلندر و شعرای ہمعصر وی): در این مقاله درباره مولانا حمید قلندر، جمال الدین استاجی، الیاس ہروی، سیدالسادات اجل، تاج الدین شیرازی و قاضی صیرفی مطالب مفیدی بیان شدہ است.

۳. یہ ماہاں: شوقی کے دور کا ایک یہ ماہر ملک عزیز: اللہ بسطامی (ملک عزیز اللہ بسطامی شاعر دورہ شاہان شرقی): استاد در این مقاله درباره احوال خانوادہ شاہان شرقی بہ اختصار اطلاعاتی فراہم کردہ است و نیز درباره ملک عزیز اللہ بسطامی و قصیدہ او کہ در صنف میزان الاوزان بہ نظم در آمدہ، مطالبی نوشتہ است.

۴. فارسی اشعار کے قدیم مجموعے (مجموعہ ہای قدیمی اشعار فارسی): این مقالہ شامل مقالہ پروفیسور سعید نفیسی با نام قدیمی ترین مجموعہ ہای شعر فارسی است. پروفیسور نذیر احمد از دید انتقادی درباره مقالہ سعید نفیسی بحث کردہ است و درباره پنج مجموعہ شعری قرن ہشتم مطالب مفیدی نوشتہ است.

۵. فارسی کی ایک قدیم بیاض: (یک بیاض فارسی قدیم): در این مقالہ پروفیسور نذیر احمد درباره مجموعہ لطائف و سفینہ ظرائف مطالب مفیدی فراہم آورده است.
علاوہ بر مقالات بالا، پروفیسور نذیر احمد کتابچہ ای بہ نام غزلہای حافظ براساس مجموعہ لطائف و سفینہ ظرائف ہم تہیہ کردہ است. این کتابچہ حاصل ۱۲۷ منظومہ حافظ یعنی یک قصیدہ و ۱۲۶ غزل است کہ از این بیاض استخراج شدہ است. وی در مقدمہ این کتابچہ درباره این بیاض می نویسد:

«جامع این نسخہ دانشمندی بہ نام سیف جام ہروی است کہ این مجموعہ را در ہندوستان در مدّت زیاد تہیہ نمودہ است. از این مجموعہ معلوم می شود کہ مؤلف نسخہ ترتیب نسخہ خود را در دورہ سلطان فیروزشاہ تغلق سومین

سلطان خانواده تغلقان هند که از سال ۷۵۲ تا ۷۹۰ هجری حکمرانی نمود، شروع کرده؛ زیرا که برای زندگانی دراز این سلطان در قول زیرین دعا نموده است: «شهنشاه اعظم فیروزشاه معظم خلدالله ملکه و سلطانه و اعلی امره و نشانه» و این اطلاع راجع به سلطان مبارک‌شاه شرقی است که مرتب کتاب سیف جام هروی برای طول عمر وی و حکومتش دعا می‌کند خلدالله ملکه!»^۱.

این کتابچه با همکاری خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران در دهلی‌نو چاپ شده است. علاوه بر مقالات و کتابچه بالا من از راهنمایی‌های سودمند آن بزرگوار هم استفاده کرده‌ام؛ چرا که یک سال پیش از وفات آن بزرگوار درباره این بیاض چندین بار با وی ملاقات کرده بودم.

استادان دیگر زبان و ادبیات فارسی مانند حافظ پروفیسور محمود شیرانی، پروفیسور سید امیر حسن عابدی و دکتر عارف نوشاهی و... نیز از این بیاض استفاده کرده‌اند و مقالاتی هم نوشته‌اند؛ ولی متأسفانه آن مقالات در دسترس من نیست.

درباره مرتب‌کننده این بیاض در هیچ تذکره، تاریخ یا بیاضی مطلبی موجود نیست بجز اطلاعاتی چند. پروفیسور نذیر احمد درباره او می‌نویسد:

«درباره مرتب‌کننده کتاب هیچ اطلاع به دست نیامده علاوه اینکه نام او سیف جام هروی بود و او شاید در جونپور مانده باشد و به سلطان مبارک‌شاه شرقی وابسته بود.»

محقق دیگر پروفیسور نبی هادی در کتاب خود بدون استناد نوشته است:

Saif Jam Harawi (d. unknown) came from the city of Herat, Khurasan in the reign of Firuz Shah Tughlaq and lived till advanced old age. He witnessed establishment of independent regional dynasties after the sack of Delhi by Timur (801/1398). His contribution was literary collection *Bayaz* containing selected verses from a number of contemporary poets. Its title was "*Majmua-e- Lataif wa Safeena-e-Zaraef*"^۲.

۱. غزل‌های حافظ براساس «مجموعه لطائف و سفینه ظرائف»، ص ۳-۱۲.

2. *History of Indo-Persian Literature*, p. 179-80.

از اطلاعات محققان بدین نتیجه می‌رسیم که سیف جام هروی در دوره فیروزشاه تغلق به‌هنگام آمد و به‌دربار فیروزشاه تغلق پیوست. او حمله تیمور لنگ را هم دیده بود و پس از ویرانی دهلی به‌جونپور روی آورد و به‌سلطان شاه شرقی تغلق پیدا کرد. مهم‌ترین کارنامه علمی و ادبی وی جمع‌آوری کلام شعرای قدیم و هم‌عصر و ترتیب دادن اصناف سخن به‌نام مجموعه لطائف و سفینه ظرائف است.

این بیاض در مدتی دراز یعنی از عهد سلطان فیروزشاه تغلق تا زمان سلطان مبارکشاه شرقی گردآوری شده است و بنابراین لازم است که درباره این پادشاهان به‌خوانندگان اطلاعاتی بدهم:

سلطان فیروزشاه تغلق

سلطان فیروزشاه تغلق سومین پادشاه خانواده تغلق است. بانی این خانواده سلطان غیاث‌الدین تغلق بود که با ترکان ارتباط داشت. پس از وفات سلطان محمد تغلق فیروزشاه پسر رجب (اسپدار) و پسر عموی محمد تغلق در ۲۳ ماه محرم سال ۷۵۲ هجری در کنار آب سند بر تخت پادشاهی نشست.^۱ او پادشاهی باصلابت، باتجربه، منصف‌مزاج، مدبر و کامران بود. وی ذوق علمی و ادبی هم داشت و در فن معماری ماهر بود. محلات، حصار، قلعه، مدارس، مساجد، نه‌رها و مخصوصاً مسجد جامع، مدرسه فیروزی، مسجد بالای حوض خاص، شهر فیروزآباد، حصار فیروزه و تغلق‌آباد و غیرهم به‌فرمان فیروزشاه تغلق بنا شده است. وی معماری‌های قدیمی را نیز بازسازی کرد و مقبره‌های بزرگان و پادشاهان را مرمت نمود.^۲

فیروزشاه تغلق توجه زیادی به‌علماء، ادبا و شعرا داشت. در زمان او بسیاری از شعرا و علما و ادبا از کشورهای دیگر به‌ویژه از ایران به‌هنگام آمدند. در همان زمان کتاب‌های تاریخی مانند تاریخ فیروزشاهی (تألیف ضیاء‌الدین برنی)، تاریخ فیروزشاهی

۱. تاریخ مبارکشاهی، ص ۸-۱۱۷؛ تاریخ فرشته (اردو)، ص ۴۵۴، منتخب‌التواریخ، ص ۱۶۸؛ تاریخ فیروزشاهی، ضیاء‌الدین برنی به‌تصحیح سر سید احمد خان، ص ۵۲۹، تاریخ فیروزشاهی از شمس سراج عقیف، مترجم محمد فدا علی طالب، ص ۲۰۳؛ تاریخ فرشته (فارسی)، ص ۴-۱۴۳.

۲. جامع تاریخ هند، ص ۸۴۷؛ تاریخ فیروزشاهی ترجمه، ص ۳۲-۲۲۹؛ تاریخ مبارکشاهی، ص ۱۲۶.

(شمس سراج عقیف) و فتوحات فیروزشاهی (تألیف فیروزشاه تغلق) تألیف شد.^۱ کتاب‌های مذهبی و ملفوظاتی مانند فوائد فیروزشاهی (از ملّا محمد العطار)، فتاوی جهاننداری (از ضیاء الدین برنی)، سیرالاولیاء (تألیف امیر خورد) و خیرالمجالس (تألیف مولانا حمید قلندر) و معدن المعانی (تألیف زین بدر عربی) و... نیز در همین عهد ترتیب داده شد.

در این عهد فن ترجمه‌نگاری هم آغاز شد و بیشتر کتاب‌های عربی و سانسکریت به زبان فارسی ترجمه شد. مانند اخبار برمکیان تألیف ابوالقاسم محمد طائفی و ترجمه ضیاء الدین برنی، باره سنگتا ترجمه عبدالعزیز شمس تھانیسری و... فیروزشاه برای ترویج و اشاعه علم و دانش مدرسه‌ای به نام مدرسه فیروزی تأسیس کرد که در کنار حوض خاص شهر دهلی قرار داشت.

در زمان سلطان فیروزشاه شاعران فارسی زبانی مانند مولانا حمید قلندر، سیدالسادات اجل، الیاس هروی، اخستان الدین، مطهر کتره، ظهیر الدین، جمال الدین استاجی، تاج شیرازی، قاضی صیرفی، ملک احمد، قاضی شهاب الدین دولت آبادی، ملّا ظهیر فراهی، ملّا نظام الدین علّامی، طیب شهبانی، ملّا ظهیر الدین زیدی، عزالدین خالد ثانی و شعرای غیر مشهور دیگری می‌زیستند.^۲

سلطان فیروزشاه تغلق در هجدهم ماه رمضان سنه تسعین و سبع مائه (۷۹۰) به رحمت حق پیوست.^۳

سلطان مبارک‌شاه شرقی دومین فرد از خانواده شرقی بود که در جونپور حکمرانی کرد. بانی این خانواده ملک‌الشرق خواجه جهان بود که به علت بی‌توجهی سلاطین تغلق در ۷۸۳ ق در جونپور اعلان خودمختاری کرد و لقب «اتابک اعظم» اختیار نمود؛ خطبه و سکه به نام خود جاری و ضرب کرد و سلطنت خود را از حدود مشرق تا به مغرب

۱. فلاسی‌اوب کی مختصرترین تاریخ، دکتر محمد ریاض و دکتر صدیق شبلی، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۲. فارسی ادب به عهد سلاطین تغلق، مقاله تغلق عهد کے غیر معروف و شعر، حمید قلندراور اس کے ہم عصر شعر.

۳. تاریخ مبارک‌شاهی، ص ۱۷؛ تاریخ فیروز شاهی، ضیاء الدین برنی، اردو ترجمه، ص ۳۳۲، در واقعات دارالحکومت دهلی، ص ۱۹۵؛ مختصر تاریخ هند، ص ۶۴.

قائم کرد^۱ و آن را رونق بخشید.

پس از وفات او سید مبارک‌شاه شرقی (متبّنی) در سنه ۸۰۲^۲ ق بر تخت سلطنت جلوس کرد. فراهی شاعر این قطعه را به این مناسبت سرود:

گشت چون یاد شه مبارک‌شاه شادی آماده گشت بر پا جشن
سال تاریخ این خجسته جلوس شد نگهبان «عالم آرا جشن»^۳

سلطان مبارک‌شاه شرقی فقط یک سال و چند ماه حکومت کرد؛ ولی در همین مدّت کوتاه، سلطنت خود را از راهزنان و مفسدان پاک کرد. چنانچه در زمان او هیچ غیرمسلمانی سرکشی نمود. او دارالخلافه جونپور را وسعت بخشید، بازار و محلات و عمارات مجلل بنا کرد و برای آسایش مردم کارهای نمایانی انجام داد و سلطنت خود را دارالسرور نام نهاد.^۴

او بزرگان زمان خود را احترام می‌کرد و خود در حلقه مخدوم جهانیان بوده است.^۵ وی سرپرست شاعران زمان خود هم بود. شاه نعمت‌الله ولی، ملک عزیزالله بسطامی و امیر فراهی و غیره از شاعران بزرگ زمان او هستند. وی پادشاهی منصف مزاج، شفیق، کریم و مهربان بود؛ چنانچه در تذکره مشایخ شیراز هند به نقل از تاریخ محمدی آمده است که:

اس نے اپنی «عایا پر» بے انصاف، محبت اور شفقت سے حکومت کی تھی.^۶

وی در سال ۸۰۳ ق مطابق ۱۴۰۱ م وفات یافت^۷ (پس از وفات مبارک‌شاه شرقی چهار حکمران دیگر از این خانواده یکی پس دیگری تخت‌نشین شدند). این خانواده در سال ۱۵۰۵ م رو به زوال نهاد.^۸

۱. تذکره مشایخ شیراز هند، ص ۸۴، تاریخ شیراز هند، تاریخ مبارک‌شاهی.

۲. تذکره مشایخ هند، ص ۸۶؛ تاریخ مبارک‌شاهی، ص ۲۲.

۳. تاریخ مبارک‌شاهی، ص ۲۵؛ تذکره مشایخ شیراز هند، ص ۸۶.

۴. تذکره مشایخ شیراز هند، ص ۸۵؛ جونپورنامه، ص ۳۶.

۵. همان، ص ۱۳۵؛ به حواله تحفة الکرّام.

۶. همان، ص ۸۸؛ تاریخ شیراز هند، ص ۳۵.

۷. همان، ص ۸۷؛ تاریخ شیراز هند، ص ۳۷، منتخب‌التواریخ، جلد اول، ص ۲۷۲.

۸. همان، ص ۷۱؛ تاریخ شیراز هند، ص ۳۸؛ جونپورنامه، ص ۸۸.

پس از مطالعه مجموعه لطائف و سفینه ظرائف به این نتیجه می‌رسیم که این مجموعه سیف جامی هروی یکی از بیاض‌های قدیمی هند است که در آن اصناف سخن و کلام‌های شعرا نقل شده است. این بیاض حامل موضوعات ادبی، فنی، معنوی و صنایع علوم بلاغت است.

مرتب در این بیاض اصناف سخن فارسی را به ابواب جداگانه تقسیم کرده و در هر باب کلام شعرای مختلف را برای مثال بیان کرده است. اگرچه این بیاض برای اصناف سخن تهیه شده است اما مرتب در آن از نعت، منقبت زکوه و احکام فقه هم سخن گفته است.

سیف جامی هروی مردی دانشمند بود و در علم و دانش و ادبیات مخصوصاً در فن شعر و در علوم بدایع دسترسی کامل داشت و نه تنها در زبان فارسی، بلکه در زبان عربی هم ماهر بود. چنانکه ما می‌بینیم وی نه صرف اشعار فارسی را شاهد آورده، بلکه اشعار عربی را هم نقل کرده است. وی از آیات قرآنی و اخبار نبوی و در بعضی موارد از تذهیبکاری هم استفاده کرده است.

از نظر تاریخ و ادبیات فارسی هند این بیاض اهمیت بسیاری دارد؛ زیرا این بیاض مشتمل بر کلام آن دسته از شعراست که کلامشان در حمله مغول و تیمور ضایع شده بود. ما به کمک این بیاض می‌توانیم مسائل الحاق کلام شعرا را حل کنیم.

کتابنامه

۱. بیگ آذر، لطف علی، آتشکده، بمبئی، ۱۲۷۷ ق.
۲. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران (ج ۲)، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۶۳ ش.
۳. تاریخ سیستان، تصحیح ملک‌الشعرا بهار، تهران، ۱۳۴۴ ش.
۴. تاریخ فیروزشاهی، ضیاء‌الدین به تصحیح شیخ عبدالرئیس، نفیس اکادمی، کراچی، ۱۹۶۲ م.
۵. تذکره‌الشعرا دولت‌شاه سمرقندی، بمبئی، ۱۳۰۵ ش.
۶. تذکره مجمع‌النفایس، سراج‌الدین علی خان آرزو، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۸۳ ش.
۷. تذکره خزانه عامره، آزاد بلگرامی، کانپور، ۱۸۷۱ م.

۸. جامع تاریخ هند، محمد حبیب و خلیق احمد نظامی، شورای گسترش زبان اردو (N.C.P.U.L.)، دهلی، ۱۹۸۶ م.
۹. خلجی خاندان، ک. اس. لال، اردو بیورو، دهلی نو، ۱۹۸۰ م.
۱۰. غزل‌های حافظ براساس مجموعه لطائف و سفینه ظرائف، نذیر احمد، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دهلی نو، ۱۹۹۱ م.
۱۱. فتوحات فیروزشاهی، شیخ عبدالرشید، بخش تاریخ دانشگاه اسلامی علیگره، ۱۹۵۴ م.
۱۲. فرهنگ ادبیات فارسی دری، زهرا خانلری، انتشارات بنیاد فرهنگ فارسی، ۱۳۴۸ ش.
۱۳. فرهنگ قواس، به تصحیح پروفیسور نذیر احمد، ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۳ ش.
۱۴. منتخب‌التواریخ، ملا عبدالقادر بدایونی، کلکته، ۱۸۶۵ م.

نسخه‌های خطی

۱۵. لب‌التواریخ، سبحان‌الله کلکشن ۹۵۴/۱۵.
۱۶. مجموعه لطائف و سفینه ظرائف، سیف جام هروی، نسخه موزه بریتانیا.
۱۷. مونس‌الاحرار، ذخیره حبیب گنج، دانشگاه اسلامی علیگره، شماره ۳۷/۵۱۵.

مجلات

۱۸. ایک قدیم فارسی بیاض، پروفیسور نذیر احمد، ۱۹۳۸ م.
۱۹. مجله ارمان علمی، لاهور، پاکستان، ۱۹۵۵ م.
۲۰. مجله فکر و نظر، دانشگاه اسلامی علیگره، اکتبر ۱۹۶۱ م.
۲۱. مجله فکر و نظر، دانشگاه اسلامی علیگره، اکتبر ۱۹۶۴ م.
۲۲. مجله فکر و نظر، دانشگاه اسلامی علیگره، آوریل ۱۹۶۵ م.
23. *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Musuem, the Rieu, Vol. I to IV.*
24. *History of Indo-Persian Literature*, Nabi Hadi, Iran Culture House, New Delhi, 2001.